



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایشان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایشان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداومی کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۳

موهای او تماماً سفید بود، ولی حدوداً میان سال به نظر می‌رسید. احساس گرفتگی در ابتدای معده داشت. توصیه کردم که به پزشک متخصص گوارش مراجعه کند. گفت که پول رفتن به دکتر را ندارم. خیلی هم اعتقادی به این دکترها ندارم. داروسازان را بیشتر قبول دارم و تقاضای دارو از من داشت. کلیدینیوم سی برای قبل از غذا و قرص دایجستیو برای وسط غذا دادم، ولی تأکید کردم که مسأله را سرسری نگیرد و اگر خوب نشد، حتماً به پزشک مراجعه کند. علت تأکید من برای این بود که خیلی از این احساس‌های گرفتگی در مری یا ابتدای معده، می‌تواند نشانه‌ای از بدخیمی باشد!

یادداشت ۴

ما در روز، مراجعه‌کننده‌هایی داریم که فقط سؤال دارویی دارند و یا راجع به نحوه خوردن دارو یا عوارض جانبی آن و ... از دکتر داروساز داروخانه سؤال می‌کنند. این نوع مراجعه‌کنندگان و بیماران به دلیل برخورد مناسب ما ترجیح می‌دهند که سؤالشان را از ما بپرسند. یک علت آن هم این است که داروخانه ما خیلی شلوغ نیست و از طرفی هم، خیلی از بیماران به دکتر داروساز اعتماد بیشتری دارند و به همین دلیل سؤالات دارویی را از ما می‌پرسند. آقایی وارد داروخانه شد و از من سؤال کرد که خانم من داروی عصبی می‌خورد و بچه هم شیر می‌دهد، می‌خواستم بدانم که آیا برای بچه ضرر ندارد؟ دارویش را کنترل کردم و وقتی اطمینان حاصل کردم که مصرف آن در دوران شیردهی ضرری ندارد،

یادداشت ۱

خانمی نسبتاً مسن، همراه با خانمی میان سال که دختری حدوداً ۶ ساله همراهش بود، وارد داروخانه شدند و نام دو دارو را بردند و گرفتند. در حین حساب و کتاب، تلفن خانم میان سال زنگ زد و خطاب به فرد پشت خط در حالی که دختر بچه به ظاهر مادرش خیره شده بود گفت: توی ماشین هستم و دارم می‌آیم. هم من، هم تکنیسین داروخانه و هم خانم مسن با تعجب به خانمی که داشت با تلفن صحبت می‌کرد، خیره شدیم و تعجب کردیم که چگونه افراد به راحتی دروغ می‌گویند و توجه هم ندارند که این گونه دروغ گفتن در روحیه بچه اثر می‌گذارد و قبح مسأله را می‌ریزد.

یادداشت ۲

مراجعه‌کننده‌های زیادی داریم که یک قوطی خالی و یا یک بلیستر از دارویی را می‌آورند و اصرار دارند که حتماً خود این دارو و از همین کارخانه را می‌خواهند. دیروز پسر بچه حدوداً دوازده ساله‌ای در حالی که کاغذ یک گاز استریل را در دست داشت وارد داروخانه شد و گفت یک بسته از همین کارخانه می‌خواهم. در حالی که خنده‌ام گرفته بود به وی گفتم: چه کسی گفته این را و از همین کارخانه تهیه کنی؟ گفتم: پدرم گفته و خودش جلوی در ساختمان ایستاده است. گفتم: بگو پدرت بیاید تا ببینم چی به چی هست؟ پدرش که آمد معلوم شد مسأله را با دارو قاطی کرده و گاز استریل معمولی می‌خواهد و مسأله ختم به خیر شد.

مسأله را به وی منتقل کردم. ایشان هم خوشحال شد و رفت.

یادداشت ۶

جلوی پیش‌خوان داروخانه که قرار گرفت، دست خود را بالا زد و جای باقی‌مانده از زخمی را نشانم داد و برای برطرف شدن جای زخم از من دارو خواست. مردی حدوداً ۴۵ ساله بود. پمادی به ایشان دادم و وقتی قیمت دارو را گفتم، مثل صاعقه زده‌ها تکانی خورد و گفت: آقای دکتر! یک پماد ارزان قیمت مثل پماد سوختگی بدهید، شاید با همین پماد جای زخم خوب شد.

به ایشان تذکر دادم که جای زخم با پماد سوختگی خوب نمی‌شود. با خنده هم گفتم که برای نماندن جای زخم باید خرج کنی!

بلافاصله جوابم را داد که: چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن!

تسلیم شدم و سکوت کردم و طرف هم در همان حالت سکوت، داروخانه را ترک کرد.

یادداشت ۵

مسأله تداخل داروها از جمله مسایلی است که اگر درست به بیمار گفته نشود، از نظر روانی مریض را دچار مشکل کرده و در روند بهبود بیماری او تأثیر می‌گذارد. البته، بیماران این‌گونه فکر می‌کنند که همه داروها با هم تداخل داشته و نباید همراه هم خورده شوند. در صورتی که بسیاری از داروها می‌توانند بدون این که تداخلی با هم داشته باشند، خورده شوند.

همکاران داروساز باید در این رابطه، راهنمایی‌های لازم را به بیماران داشته باشند. از این مقدمه که بگذریم، خانمی تلفن کرد و سؤال کرد: من قرص پردنیزولون می‌خورم. آیا اگر شیاف گلیسرین مصرف کنم، تداخلی به وجود نمی‌آید؟! پاسخ دادم که تداخلی با هم ندارند.

